

یادداشت روز

درباره خاموشی ابدی حبیب محبیان

غربت هنرمند

عزیز قاسمزاده، خواننده موسیقی ایرانی

● حبیب محبیان، هنرمند حوزه پاپ، در بیست‌ودوم خرداد ۹۵ در حالی بر دستان هزاران نفر از علاقه‌مندان در روستای نیاسته رامسر به آرامگاه ابدی مشایعت شد که هیچ‌کدام از خوانندگان و دست‌اندرکاران حوزه موسیقی پاپ در این مراسم حضور نداشتند. این اتفاق در مراسم سوم او هم در این روستا تکرار شد و متأسفانه در مراسم هفتم او هم که در تهران برگزار شد، تقریباً همین داستان غم‌انگیز تکرار شد و چهره‌های اندکی از عالم هنر در مراسم او حاضر شده بودند. مهم‌ترین چهره حاضر در مراسم حبیب، استاد حمیدرضا نوربخش، مدیرعامل خانه موسیقی، بود. از اهالی سینما، داریوش ارجمند هم آمده بود. در حوزه پاپ، امیر تاجیک، مازیار فلاحي و سعید شهروز آمده بودند و خیلی‌های دیگر غایب مراسم یادمان حبیب بودند. او که از سال ۸۸ پس از ورود به ایران متأسفانه تا پایان زندگی‌اش امکان برگزاری کنسرت نیافت، در روستایی بسیار ساکت و آرام در حوالی رامسر زندگی می‌کرد و تقریباً به جایی نمی‌رفت و بیشتر میزبان دوستانش بود. وقتی در روز تشییع به روستای نیاسته می‌رفتیم، حوالی روستا دو نفر که تقریباً میان‌سال‌ی را پشت‌سر گذاشته بودند، سوار ماشینمان کردیم. من از آنها پرسیدم آیا حبیب اهل رفت‌وآمد در این حوالی بود؟ یکی از آنها ضمن تأکید بر روحیه انزواطلبانه حبیب، به خاطره جالبی اشاره کرد. او گفت: همسر حبیب به یک سوپرمارکتی هزارچندگاهی برای خرید رجوع می‌کرده و هربار می‌دیده که جوان صاحب مغازه در حال شنیدن صدای حبیب است. یکی از این روزها همسر حبیب که به مغازه او می‌رود، به او می‌گوید می‌خواهم همراه من بیایی تا با کسی آشنایت کنم. جوان همراه همسر حبیب به منزلشان می‌رود. وقتی آن جوان چشمش به حبیب می‌افتد، می‌گوید من شنیده‌ام چگونه ممکن است شما در چندقدیمی من باشید و من تاکنون شما را ندیده باشم. این خاطره نشان می‌دهد که حبیب، مردی بود از جنس تنهایی و انزوا که حتی دوست نداشت مردمان روستای نیاسته و آن حوالی هم نشان و نشانه‌ای از او بدانند. اما با همه انزوایی که حبیب به‌اختیار و غیراختیار برای خود انتخاب کرده بود و با وجود اطلاع‌رسانی ضعیف زمان و مکان دقیق تشییع او، علاقه‌مندان از گیلان، مازندران، قزوین، تهران، بندرعباس و دیگر نقاط کشور برای مشایعت او به آرامگاه ابدی روستای نیاسته آمده بودند. موج جمعیت به حدی بود که محدوده مکان تشییع پاسخ‌گوی این‌همه جمعیت نبود. این سیل در لحظاتی به حدی زیاد شد که احتمال حادثه‌ای شبیه آنچه در منا رفت، در حال وقوع می‌بود که خوشبختانه هدایت شد اما با همه عظمت تشییع حبیب بر رسانه‌های دوستدارانش، غربتی هم عجین و همراه حبیب و تشییعش بود. تقریباً هیچ شخصیت اثرگذار فرهنگی و هنری و هیچ خواننده شناسای حوزه پاپ که حبیب محبیان پیش‌کسوت آنها بود، زحمت حضور و وداع به خود نداده بود. تمام این جمعیت عظیم خودجوش و بی‌برنامه برای وداع با مرد تنهای شب چنان که خود وعده داده بود که چون قوی زیا مرگ را در آغوش باید کشیده، خود را به آرامستان نیاسته رسانده بودند. نگارنده هنگام حضور، حامل پیام مدیرعامل محترم خانه موسیقی، استاد حمیدرضا نوربخش، بودم. ایشان تأکید بسیاری داشتند که به هر صورت که شده، پیام تسلیت خانه موسیقی و ایشان به خانواده و دوستداران حبیب اعلام شود و از سنجایی اخلاقی و آرامش وجودی او سخن بگویم و طلب رحمت الهی برای او کنم. این پیام گرچه از طرف اینجناب حضوری به برادر حبیب اعلام شد، اما با وجود تلاش چندین نفر از دوستان برای گرفتن میکروفونی جهت ابلاغ پیام آقای نوربخش برای حاضران، به علت مخالفت هیات‌امانی مسجد ناکام ماند و حبیب محبیان تنها با اجرای چند ترانه خاطره‌انگیز دوستدارانش به مینوی نیکو رهسپار شد. تشییع حبیب جمع دو ضد کنار هم بود؛ عظمتی به وسعت مطلوبیت. من نمی‌دانم که ذهن هنرمندان ما به‌ویژه در حوزه پاپ چه می‌گذشت که در تشییع جنازه هنرمندی که کشور بیگانه را وانهاد و در وطنش غربت گزید، حاضر به حضور نشدند. باری قافله‌سالار مرگ به‌ناگاه در می‌رسد و هر که را بخواهد به کام خود می‌بلعد، کاش کمی مهرانی، قدشناسی به‌موقع و گاهی حتی ناهنگام و بی‌موقع، فراموشمان نشود.



شرق: صحبت از روزهایی است که تمامی اهالی خانه سینما، در تب‌وتاب بسته‌شدن خانه‌شان بودند؛ صحبت از روزهایی که بسیاری از سینماگران در حمایت از خانه سینما مصاحبه کردند و بیانیه دادند. زمان زیادی از آن روزها گذشته. خانه سینما دوباره باز و آرامش‌ی در این خانه حکم‌فرما شد؛ اما این روزها توفان صحبت‌های برخی از سینماگران این آرامش را بر هم می‌زند. محمدمهدی عسگرپور که در آن دوران به‌عنوان مدیرعامل خانه سینما سعی کرد تا با تمام توانش این خانه حفظ شود، بسیاری از صحبت‌هایش را به مرور زمان سپرد و صحبتی نکرد؛ اما مدتی قبل صحبت‌های بین علیرضا رئیس‌یان و محمدمهدی عسگرپور، همه را به آن روزها و خاطراتش برد و این سؤال پرنگتر شد که چرا الان باید برخی به دنبال شفاف‌سازی حقایقی از آن دوران باشند؛ حقایقی که صحت آن خیلی مشخص نیست.

مدتی قبل همایون اسعدیان، درگفت‌وگو با برنامه ۳۵ و از طریق سایت فیلم نت، در پاسخ به سؤالی درباره سیاسی‌کاری خانه سینما گفت: «این یک تهمت است و هیچ اثباتی هم برایش وجود ندارد. وقتی پنج مستندساز را می‌گیرند و خانه سینما برایشان بیانیه می‌دهد، آیا این سیاسی است؛ اینکه وزیر علیه پنج نفر از هم‌صنف‌های ما که هنوز محکوم نشده‌اند، حرف می‌زند و ما می‌گوییم چرا به آنها تهمت می‌زید، آیا سیاسی است. ما سیاسی‌کاری نکردیم، بلکه با کارهای آقای شمقدری وارد جنگ سیاسی شدیم و این جنگ‌ها خود من را از فیلم‌سازی دور کرد.»

اسعدیان ادامه داد: «بعضی دوستان روزشمار تاریخ خانه سینما را نوشته‌اند و دوستانی که تیشه دست گرفتند و ریشه خانه سینما را زدند، فکر نکنند چون حافظه تاریخی نداریم، مسائلی فراموش می‌شود. وقتی انحلال خانه سینما اعلام شد، گروه ۱۰۸ یک بیانیه داد و آقای وزیر نگران شد و یکی از این آقایان چند نفر را برد پیش وزیر و گفت چرا نگرانی سینماگران اینجا هستند و حامی شما هستند و جالب اینکه از دفتر وزیر به ما زنگ زدند و اطلاع دادند که اینجا آمدند. من قسم‌های آقای شمقدری و سجادیور را باور ندارم؛ چون این‌قدر حرف‌های متناقض و کذب از آنها شنیده‌ایم که حرف‌های آنها سندیتی ندارد. در جنگ خانه سینما کسانی نقض اساسنامه خانه سینما را اطلاع دادند و پیگیر شدند و حتی پیش نمایندگان مجلس رفتند که از نویسندگان این اساسنامه بودند و آن زمان این نقاط ضعف از نظرشان نقاط مرفعی اساسنامه بود.»

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش به تناقض‌های خانه سینما اشاره کرد و گفت: «خودمان این تناقض‌ها را می‌دانیم و نمی‌دانیم سندیکا هستیم یا صنف هستیم

بار دیگر متنی از بیضایی روی صحنه

«مجلس ضربت‌زدن» به روایت رحمانیان

شرق: پس از سال‌ها بار دیگر، نام بهرام بیضایی بر تارک تاتار شهر می‌درخشد؛ درحالی‌که بیضایی چندسالی است به آمریکا مهاجرت کرده و دیگر نیست تا اثری روی صحنه بپیرد، نمایش‌نامه «مجلس ضربت‌زدن» او با کارگردانی محمد رحمانیان در سالن اصلی تاتار شهر بار دیگر تاتار نقض استان را به چهارراه ولیعصر می‌راندند تا روایتی از ماجرای ضربت‌خوردن حضرت علی (ع) توسط ابن‌ملجم مرادی را با بازی مهتاب نصیرپور، امیر جعفری، اشکان خطیبی، رامین ناصرتمیر، رضا مولایی، سبنا رازانی، سانیا سالاری، یاسر خاسب و... تماشا کنند؛ نمایشی که هدایت شاهی خاموش آن می‌گوید: «یکی از بارزش‌ترین نمایش‌هایی است که روی صحنه رفته و تماشاگران هرچه‌زودتر باید آن را تماشا کنند.» از آنجا که محمد رحمانیان و گروهش هرگز نسبت به رویدادهای سیاسی- اجتماعی بی‌تفاوت نبوده‌اند و همواره رسالت تاتار را در آثارشان به‌جا آورده‌اند، جمعه‌شب نیز گروه اجرایی نمایش



گفت‌وگو با سیروس الوند

یقه‌گیری در سینما

و نمی‌دانیم در وزارت ارشاد باشیم یا وزارت کار، اما این موضوع به این معنی نیست که خانه سینما جای بی‌هویتی است. خانه سینما خانه اهالی سینما است. مستندساز را می‌گیرند و خانه سینما برایشان بیانیه می‌دهد، آیا این سیاسی است؛ اینکه وزیر علیه پنج نفر از هم‌صنف‌های ما که هنوز محکوم نشده‌اند، حرف می‌زند و ما می‌گوییم چرا به آنها تهمت می‌زید، آیا سیاسی است. ما سیاسی‌کاری نکردیم، بلکه با کارهای آقای شمقدری وارد جنگ سیاسی شدیم و این جنگ‌ها خود من را از فیلم‌سازی دور کرد.»

اسعدیان ادامه داد: «باید کمی به عقب برگشت و برخی از اتفاقات را مرور کرد؛ مثل زمانی که گزینه آقای حسینی برای ریاست وزارت ارشاد آقای شمقدری نبود و گزینه دیگری مدنظر داشت؛ اما طبق دستور آقای احمدی‌نژاد، آقای شمقدری این پست را برعهده گرفت و دو سال بعد از گذشت مسئولیت آقای شمقدری، برخی تمام تلاششان را برای برکناری آقای شمقدری انجام دادند و بعد از اینکه ما از این جریان اطلاع پیدا کردیم، به دفتر

او ادامه داد: «باید کمی به عقب برگشت و برخی از اتفاقات را مرور کرد؛ مثل زمانی که گزینه آقای حسینی برای ریاست وزارت ارشاد آقای شمقدری نبود و گزینه دیگری مدنظر داشت؛ اما طبق دستور آقای احمدی‌نژاد، آقای شمقدری این پست را برعهده گرفت و دو سال بعد از گذشت مسئولیت آقای شمقدری، برخی تمام تلاششان را برای برکناری آقای شمقدری انجام دادند و بعد از اینکه ما از این جریان اطلاع پیدا کردیم، به دفتر

برنامه‌ای برای «سانسور سینمای ایران» نداریم

این روزها بازار پخش فیلم‌های ایرانی در کانادا

داغ است و اکثر فیلم‌های مطرح ایرانی در شهرهای مختلف و بزرگ کانادایی به صورت هم‌زمان با ایران پخش می‌شوند. به گزارش سینماسینما، «مادر قلب اتمی» یکی از فیلم‌هایی است که به صورت هم‌زمان در سه شهر ونکوور، تورنتو و مونترال در حال پخش‌شان است. هم‌زمان در وب‌سایت‌های فارسی، خبری منتشر شد مبنی بر پخش «مادر قلب اتمی» و «مهمونی کامی» در قالب برگزاری گردهمایی‌ای در تاریخ چهارم و ششم تیر در دانشگاه تورنتو با عنوان سانسور در سینمای ایران. نویسنده مطلب فوق ادعا کرده بود شرکت در این برنامه ممکن است باعث باز درسر برای گرفتن مجوز برای پخش‌کننده فیلم مادر قلب اتمی شود. در تماشایی که با دانشگاه تورنتو گرفته شد، مشخص شد استادان این دانشگاه از برگزاری چنین گردهمایی‌ای در این تاریخ‌ها کاملاً بی‌خبر هستند. به گفته این استادان، هیچ برنامه‌ای در دانشگاه تورنتو برای تاریخ چهارم تیر در نظر گرفته نشده و فقط

بازتاب خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا بر هنر خود

سر گिجه هنر انگلیسی

شود، کسب‌وکار و عملکردمان را با هر چارچوب مدنی جدیدی همسو خواهیم کرد. هروقت که کسب‌وکاری کرده‌ایم، خود را به تغییرات سیاسی، مدنی و فرهنگی عادت داده‌ایم. تجربه ما طی سال‌ها نشان داده است که مجموعه‌داران به جمع‌آوری مجموعه علاقه‌مند هستند.»

مایکل شرمن، مدیر ارتباطات شرکت فیلیپس، هم تحلیلی همانند داشت: «در مدت کوتاه، کسب‌وکار به شکلی معمول به‌سوی فروش هفته‌های بعد خود می‌رود. دادن نظری خاص درباره تأثیر درازمدت بر بازار هنر بریتانیا کاری شناخته‌زده است. اما مهم است که به یاد داشته باشیم بازار هنر امروز واقعا مسئله‌ای جهانی است زیرا فروشندگان و خریداران از سراسر دنیا به اینجا می‌آیند.»

رایان گنדר، نقاش، در ایمیلی به آرت‌نت نیوز گفت: «فکر می‌کردم دنیا دارد رو به عقب بازمی‌گردد. اما دنیا رو به عقب بازمی‌گردد، به همان شکل سابق است. ما داریم به عقب بازمی‌گردد، دیروز، انگلستان کوچک، خیلی کوچک‌تر شد. این امر تعمقی ناراحت‌کننده را بر وضعیت آموزش در ۴۰ سال گذشته برمی‌انگیزد که چطور اکثریت مردم بریتانیا درک کافی از اقتصاد، سیاست و جنبش اجتماعی ندارند که بشود به آنها در تصمیم‌گیری برای آینده کشورشان اعتماد کرد. من از اینکه یک انگلیسی هستم شرمندم. حال کشور تقسیم شده است و بحث می‌کند. همسایه‌ها و همکاران در حال جداشدنند. پچوا دارند با والدینشان بحث می‌کنند. این امر صرف‌نظر از اینکه بریتانیا را ۴۰ سال به عقب برمی‌گرداند، اصلا ارزشی

هنر

جشمید مرادیان

در حال حاضر می‌بینیم که اکثر سینماگران پاسخ‌گوی پخش تیزر فیلم‌های‌شان در شبکه‌های ماهواره‌ای هستند که برای بسیاری از آنها مشکل ایجاد شده است اما اگر خانه سینما از حقوق سینماگران دفاع می‌کرد باید با بیانیه‌ای خواستار رسیدگی به این ماجرا می‌شد یا تلاش می‌کرد اعتراض سینماگران بابت ضایع شدن حقشان شود اما می‌بیند که هیچ کاری انجام نمی‌شود و به نظر می‌رسد با این عملکرد نبود خانه سینما بهتر از بودنش است.»
سیروس الوند نیز در گفت‌وگو با «شرق» درباره ابعاد مطرح‌شدن برخی از اتفاقات پیشین خانه سینما و رسانه‌ای شدن آنها گفت: «به‌رحال اتفاقات اخیر را طبیعی نمی‌بینم و نیاز است کمی فکر کنیم که نیات پشت این صحبت‌ها چیست؟ طبیعی نیست که اتفاقات چندسال پیش را مطرح کنیم و در این میان تنها چیزی که ضربه می‌خورد سینماست؛ سینمایی که در ماه‌های اولیه سال رونق بسیار خوبی داشت و این رونق در حال کم‌شدن است. برخی از این بی‌رونتی سود می‌برند و منافع آنها در گرو همین بی‌رونتی است؛ چراکه اگر سینمای ایران در جشنواره‌های خارجی موفق شود یک‌جور به این سینما ضربه می‌زند و اگر مردم در داخل از سینما استقبال می‌کنند طور دیگری رفتار می‌شود که نتیجه هر دو، به‌خاشه‌رفتن سینماست. در این شرایط باید هوشیار بود و کاری نکرد که باعث خوشحالی عده‌ای شود.» او ادامه داد: «در جریان مشکلی که اخیراً برای برخی از سینماگران رخ داد و مواععی بر سر تبلیغات فیلم‌هایشان رخ داد، شورای‌عالی تهیه‌کنندگان و صنف‌های مرتبط با حقوق صنفی سینماگران واکنش‌های خوبی نشان دادند و همه این صنف‌ها هستند که خانه سینما را شکل می‌دهند و همه ما خانه سینما هستیم. شاید اگر خانه سینما شخصاً بیانیه‌ای در این زمینه منتشر می‌کرد، همه چیز جناحی تلقی می‌شد و نتیجه بدی داشت. متأسفانه بسیاری از اتفاقات در این کشور جناحی محسوب می‌شود و باید باور کنیم که هر اتفاقی جناحی نیست و ما از این جناح‌بندی‌هاست که ضربه می‌خوریم. سینمای ما این روزها از مسئول و غیرمسئول ضربه می‌خورد و درست نیست که دراین‌میان خودمان به‌اصطلاح یقه خانه سینما را بگیریم. چه‌بسا که عده‌ای خوششان را در این موضوعات دخیل می‌کنند که نشان هم نمی‌دهند.»

او افزود: «چه در دوره قبل که عضو هیات‌مدیره خانه سینما بودم و چه در این دوره، شاهد فعالیت‌های خانه سینما هستم و می‌بینم که جریان صنفی و رفاهی اعضا را به‌خوبی پیگیری می‌کنند و متأسفانه بسیاری از اینها رسانه‌ای نمی‌شود که بسیاری در جریان این فعالیت‌های خوب قرار بگیرند.»

دانشگاه تورنتو تکذیب کرد

قرار است در تاریخ ششم تیر دو فیلم فوق در قالبی «کاما آکادمیک» و نه «سیاسی» در دانشگاه تورنتو برای دانشجویان به نمایش گذاشته شوند. به گفته این استادان، محوریت بحث، ارزش‌های هنری این دو فیلم است و ارتباطی با سانسور و موارد دیگر مطرح‌شده در رسانه‌های ایرانی ندارد. به گفته این استادان فیلم‌هایی که در این دانشگاه پخش می‌شوند، به‌وسیله سایت‌ها و صفحات مختلف فیس‌بوکی تبلیغ می‌شوند و کنترلی از طرف آنها روی موادی که برای تبلیغ استفاده می‌شود، وجود ندارد و تنها کانال رسمی برای خبررسانی دقیق خود دانشگاه تورنتو است. شایان ذکر است در سال‌های اخیر فیلم‌های مختلفی برای این دانشگاه‌های تورنتو به نمایش گذاشته شده‌اند. این نمایش معمولاً با حمایت داوطلبانه دانشجویان برگزار می‌شود. تاکنون در این نشست‌ها، سینماگران مختلف ایرانی مانند رضا میرکریمی، محمد شیروانی، حامد بهداد، فاطمه معتمدآریا، امیر نادری و امیر پروین‌حسینی شرکت داشته‌اند.

ندارد بلکه فقط آتش نفرت را در وجود همه دامن می‌زند. مسائلی که در بریتانیای دیروز بود، به‌هیچ‌وجه مشکلی نداشتند. من مطمئنم که اگر حزب استقلال پادشاهی متحد (یوکیپ) قدرت بیشتری پیدا کند، هنرمندان و افراد خلاق اینجا را ترک خواهند کرد.»

انجلا جونز، سهام‌دار ارشد کالری دیوید زوبرنر، در ایمیلی به آرت‌نت نیوز گفت: «نتیجه بسیار غافلگیرکننده است و اکنون از آن باید به‌عنوان فرصتی برای ایجاد تغییراتی استفاده کنیم که در درازمدت به ما کمک کند. هنوز خیلی زود است که تأثیر این امر را بر بازار هنر بدانیم. فقط باید امید داشته باشیم که بریتانیا بتواند اقتصادی مجزا و دوام‌پذیر ایجاد کند تا با اروپا و جهان همسو باشد.»

استفان سیم‌چوویتز، مجموعه‌دار و مشاور هنری، در ایمیلی به آرت‌نت نیوز گفت: این امر برای همه بازارها در کوتاه‌مدت بد است. لابلکنیفی باعث ایجاد بی‌اعتمادی می‌شود به‌ویژه در موارد مهمی مثل سهام. هنر به‌عنوان اندوخته بلندمدت ثروت، مانع بسیار خوبی در برابر تغییرات ساختاری است همان‌طور که ارزش‌های مختلف وقتی در درازمدت ارزش خود را از دست می‌دهند، بانک‌ها برای حفظ تعادل ارز پول، روزهای بیشتری چاپ می‌کنند. بنابراین فکر می‌کنم پس از هضم تأثیر کوتاه‌مدت این امر، هنر می‌تواند به شکلی مؤثر عملکرد ساختاری خود را ادامه دهد؛ همان‌طور که یک ارز جایگزین مانعی در برابر تورم می‌شود. اکنون زمان آن رسیده است که هنر انگلیسی بخیریم. من بسیاری از هنرمندان معاصر را دوباره امتحان خواهم کرد؛ هنرمندانی که قیمت‌گذاری آثارشان بر پایه یوند بود و من به همین دلیل نمی‌توانستم مجموعه جمع کنم. فرصت در شرایط بد هم در خانه را می‌زند.

برگردان: زروان بختیار

زیر آسمان فیروزه‌ای

جشمید مرادیان سراغ درختان خشکیده پارک شهر می‌رود

● جشمید مرادیان که از درختان خشکیده در خیابان‌های تهران، مجسمه می‌سازد، قرار است به پیشنهاد شهرداری به سراغ درختان پارک شهر برود. جشمید مرادیان، مجسمه‌ساز، درباره این طرح به «شرق» گفت: «شهرداری منطقه ۱۴ پیشنهاد داده است که تعدادی از درختان پارک شهر را به مجسمه تبدیل کنم. ماکت کار را به شهرداری ارائه کرده‌ام و منتظر بستن قرارداد برای آغاز کار هستم. درختان زیادی در این منطقه وجود دارد؛ اما ابتدا از دو درخت شروع می‌کنیم». او در ادامه از شرکت در سمپوزیم مجسمه‌سازی قبرس خبر داد: «سمپوزیم مجسمه‌سازی قبرس از من برای شرکت در این رویداد دعوت کرده بود و من هم یکی از کارهایم را که روی درختی در یکی از کوچه‌پس‌کوچه‌های درکه انجام داده بودم، ارسال کردم که از سوی آنها پذیرفته شد. این کار یک رتوتن گوا است که البته بعد از اجرا با اسپری رنگ مشکی آن را رنگ کرده و رویش شعار نوشته بودند. دوست داشتم این کار را در سمپوزیم قبرس که سال ۲۰۱۷ برگزار می‌شود، اجرا کنم و در این سمپوزیم محمدرسلول بیک نیز من را همراهی می‌کند.»
عضویت در انجمن مجسمه‌سازان ایران، شرکت در چندین نمایشگاه گروهی و انفرادی در ایران و خارج از کشور، شرکت در دوسالانه‌های مجسمه‌سازی ایران، شرکت در سمپوزیم چوب در ایران، شرکت در دهمین نمایشگاه بین‌المللی اوزاکای ژاپن ۲۰۰۱، شرکت در سمپوزیم مجسمه‌سازی شانگهای چین ۲۰۰۳ و ساخت و طراحی ده‌ها اثر حجمی برای فضاهای عمومی و شهری و نصب آن در داخل و خارج از کشور برخی از فعالیت‌های این مجسمه‌ساز است.

محمدرفع ضیایی رهسپار خانه ابدی شد

● **شرق:** وداع یابانی محمدرفع ضیایی با دوستان و همکارانش انجام شد. یکی از پرکارترین کارتونист‌های ایرانی از مقابل خانه هنرمندان ایران به سمت قطعه هنرمندان بهشت زهرا راهی شد. مراسم تشییع پیکر محمدرفع ضیایی، کارتونيست پیش‌کسوت ایرانی که سوم تیر بر اثر سکته قلبی درگذشت، صبح شنبه، به‌منظور تیر در مقابل خانه هنرمندان ایران برگزار شد. در ابتدای این مراسم هادی حیدری، کاریکاتوريست آیاتی از قرآن کریم را تلاوت کرد و پس از آن داود شهیدی، کاریکاتوريست با اشاره به نزدیک بودن شهادت امام علی (ع) و درگذشت محمدرفع ضیایی گفت: «ضیایی هنرمندی خلاق بود و سن روی نقش او به‌عنوان یک محقق علمی تأکید می‌کنم. با شش‌روک مؤسسه گل‌آقا، کیهان‌کاریکاتور و دوسالانه‌ها به‌طور نزدیک با او برخورد داشتیم. او روی حضور اندیشه در دوسالانه‌ها و همایش‌ها تأکید داشت و به‌عنوان یک محقق به‌صورت طلبه‌وار ارتباط کاریکاتور و رسانه را جمع‌آوری می‌کرد و با حوصله در کنار هم قرار می‌داد. نتیجه اینها مطالبیست‌باز و زمینه‌ساز مسائل فرهنگی بود.» او درباره تأثیر ضیایی بر کاریکاتور ایران عنوان کرد: «بسیاری فکر می‌کنند کاریکاتور تنها هنری است که لبخند بر لب می‌آورد؛ ولی محمدرفع ضیایی از جنبه‌های مختلف روی کاریکاتور و طنز نوشتاری که گستره فکری و فلسفی وسیعی دارد، تأکید می‌کرد. اینجاست که نقش خود را به ما می‌نمایاند. تأکید او بر این بود که باید زمینه علمی و فرهنگی وجود داشته باشد تا مجموعه هنرمندان بااستعداد در این زمینه قرار بگیرند و از طریق آن، با تاریخ کاریکاتور ایران و جهان ارتباط علمی و دقیق برقرار کنند. این از نظر ما بسیار مدیون او هستیم.» شهیدی سپس به نقش بار ضیایی در تشریات طنز و مؤسسه گل‌آقا اشاره کرد: «او به جنبه‌های تئوری و فلسفی هنر در کاریکاتور و طنز نوشتاری توجه ویژه داشت و نقش بزرگی در به‌وجودآمدن مؤسسات، فصلنامه‌ها و سالنامه‌های کاریکاتور ایفا می‌کرد. او معتقد بود ستاره‌های هنر کاریکاتور ایران وقتی از پراگندگی نجات پیدا می‌کنند که روی یک بستر قرار بگیرند. اینجاست که نقش ضیایی به‌عنوان محقق مشخص می‌شود و او را به یک هنرمند بالانتین تبدیل می‌کنند.» اسماعیل عباسی، از همکاران مطبوعاتی ضیایی نیز با بیان اینکه بعد از مرگ هر انسانی، دو موضوع او را ماندگار می‌کند، افزود: «میراث معنوی و خصوصیات اخلاقی و رفتاری پس از درگذشت انسان، او را ماندگار می‌کند. محمدرفع ضیایی کاریکاتوريست خودساخته‌ای بود؛ یعنی در هیچ هنرستان و دانشکده‌ای دوره ندیده بود. او در حوزه کاریکاتور و به‌خصوص پژوهش و تاریخ‌نگاری این هنر، قدم‌های مؤثری برداشت. من در مؤسسه گل‌آقا با او آشنا شدم و به مدت چهار دوره در دوسالانه کاریکاتور تهران همراه او عضو هیات برگزاری بودیم. در مجموع، حاصل تحقیقاتش به‌صورت یک پژوهش در دسترس است.» او درباره اینکه ضیایی چطور برای یک کار به یک ایده می‌رسید، گفت: «خاطرم هست که‌در یک جلسه، محمدرفع ضیایی به‌تنهایی ۱۸،۱۷ سوره طراحي کرد. او از نظر ایده‌یابی، ذهن خلاق‌ای فکر می‌کنم پس از هضم تأثیر کوتاه‌مدت این امر، هنر می‌تواند به شکلی مؤثر عملکرد ساختاری خود را ادامه دهد؛ همان‌طور که یک ارز جایگزین مانعی در برابر تورم می‌شود. اکنون زمان آن رسیده است که هنر انگلیسی بخیریم. من بسیاری از هنرمندان معاصر را دوباره امتحان خواهم کرد؛ هنرمندانی که قیمت‌گذاری آثارشان بر پایه یوند بود و من به همین دلیل نمی‌توانستم مجموعه جمع کنم. فرصت در شرایط بد هم در خانه را می‌زند.

برگردان: زروان بختیار

شرق

سال سیزدهم • شماره ۲۶۱۷ • روزنامه